

زبان و ادبیات فارسی

مؤسسه فرهنگی راه شایستگان

۱۳۹۶

نوشته‌ها عبارتند از:

- ۱- درباره زبان.
- ۲- زبان، اهمیت و کارکردهای آن.
- ۳- نکاتی چند درباره آموزش زبان و ادبیات فارسی.
- ۴- تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها.
- ۵- درباره آموزش زبان و ادبیات فارسی (چکیده).
- ۶- الفبای ۳۴ گانه تقویت زبان مادری.
- ۷- فشرده دستور زبان فارسی (مادری).
- ۸- زبان در ادبیات فارسی (از فرهنگ دهخدا).
- ۹- بعضی منابع و اشخاص در حوزه ادبیات فارسی.
- ۱۰- کتاب تمرین.
- ۱۱- نمودار دستور زبان فارسی (امروزی + متعارف).
- ۱۲- نمودار ادبیات فارسی.
- ۱۳- نمودار آرایه‌های ادبی.

درباره زبان

همه چیز را به زبان می‌شناسیم اما زبان را جز به زبان نمی‌توان شناخت. زبان را به تنها چیزی که در جهان همانند می‌توان کرد، نور است. چرا که ما همه چیز را به نور می‌بینیم، اما نور را جز به نور، نمی‌توان دید و نور خود روشنگر خویش است آن‌چنان روشنگری که همه چیز را پدیدار می‌کند اما خود پنهان می‌ماند.

نور است که به چشمان ما توان دیدن هر آن چیزی را می‌دهد که دیدنی است. اما زبان هر آن چیزی را که شنیدنی است به ما می‌شنواند. زبان نور گوش‌های ماست و با پرتو افکندن بر هر آنچه دیدنی است و نادیدنی، حس و فهم و عقل ما را بینا و دانا می‌کند اما در این میان خود پنهان می‌ماند و تنها آنگاه پدیدار می‌شود که با آگاهی و پافشاری بخواهیم گوش خود را بر هر آنچه از راه زبان به ما می‌رسد بر بندیم و به زبان چشم بدوزیم، بر این برداری که همه چیز را به ما می‌رساند و در میانه خود را نیز همچنان که بخواهیم چشم را بر هر آنچه دیدنی است بر بندیم و بر این روشنگر خیره شویم که همه چیز را در برابر ما نمایان می‌کند، اما خود پنهان می‌ماند. زبان را هم به زبان می‌توان شناخت همچنان که نور را به نور. پس زبان نیز نوری دیگر است. نور جهان پدیدار، جهان فرا چشم ما را روشن می‌کند، اما زبان، جهان فرا گوش ما را، یعنی نه تنها از آنچه در برابر چشم پدیدار تواند شد خبر می‌دهد، بلکه از هر چیزی که در برابر چشم پدیدار نتواند شد نیز. نه تنها از آنچه هست خبر می‌دهد بلکه از هر آنچه بوده است و تواند بود نیز. بدینسان زبان واسطه‌ای است میان انسان و جهان یعنی "هر آنچه هست و بوده است و تواند بود".

با زبان است که ما در پهنه‌ی بیکران هستی و زمان، حضور می‌یابیم و بر گرد "هر آنچه هست و بوده است و تواند بود" دایره‌ای می‌زنیم و جهان‌اش می‌نامیم. در پرتو این نور است که "هر آنچه هست و بوده است و تواند بود" را در می‌یابیم و در درون خویش جای می‌دهیم و جهان‌مدار می‌شویم. یعنی انسان، در پرتو این نور است که حس ظاهر و عقل عملی ما نهان و باطنی می‌یابد که حس باطنی و عقل نظری‌اش می‌نامیم.....

بنیاد زبان بر "اسم" است، یعنی بر نامیدن و نام، انسان با نامیدن آنچه هست دایره‌ی هستی را تمامیت می‌بخشد و با نامیدن، هر چیز ذاتی را بیان می‌کند..... اما شگفت آن است که زبان بشری نه تنها آنچه "هست" را می‌نامد بلکه آنچه "نیست" را نیز می‌نامد. و با این نامیدن "نیستان" نیز در جوار "هستان" گونه‌ای هستی می‌بخشد.

باری اسم بنیاد زبان است که چیزها را می‌نامد و صفت‌ها و فعل‌ها و دیگر اجزاء زبان سرانجام در خدمت اسم‌اند و برای آن‌اند که چگونگی اسم‌ها و آنچه را که از آن‌ها سر می‌زند یا بر آن‌ها می‌گذرد را بیان کنند.....

(از کتاب شعر و اندیشه داریوش آشوری)

زبان، اهمیت و کارکردهای آن

ارتباط و زبان communication

زبان موجب برقراری ارتباط ما با دیگران می‌شود. زبان تنها وسیله‌ای است که افکار و عقاید ما را برای دیگران آشکار می‌کند و حتی آن‌ها را ماندگار می‌کند. منتهی بزرگ‌ترین اشکالاتی که در امر ارتباط مابین آدمیان وجود دارد، معانی بسیاری از کلمات است که در آموزش زبان مادری حتماً باید مورد توجه خاص قرار گیرد.

کودکان با کمک زبان نیازها، حالات درونی و نگرش‌های خودشان را به دیگران تفهیم می‌کنند.

زبان به کودکان کمک می‌کند تا فرهنگ و جامعه خود را بشناسند قبل از این‌که کتاب و مدرسه‌ای در کار باشد. کودکان با گوش دادن به بزرگسالان و همسالان خود، دانشی را که لازم است کسب می‌کنند و یاد می‌گیرند از چه قواعد اخلاقی باید پیروی کنند. انسان‌ها این اطلاعات را به کمک کلمات (زبان کلامی یا گفتاری و شفاهی، و یا زبان مکتوب و نوشتاری) به دست می‌آورند. و کودکان از زبان برای برقراری ارتباط با دیگران استفاده می‌کنند و توسط حرف زدن پیوند خود را با دیگران برقرار و آن‌را حفظ می‌کنند. علاوه بر آن زبان وسیله‌ای است همگانی و جهانی. همه‌ی جامعه‌های بشری برای خود زبانی دارند. زبان به ایشان امکان می‌دهد اشیاء را در مقوله‌های گوناگون رده بندی کنند. مثلاً کلمه درخت که اشکال مختلف درخت را در برمی‌گیرد. یا کلمه پرخاشگری که اعمال مختلف را شامل می‌شود. پس زبان انسان را قادر می‌سازد تا امور مختلفی را که خصوصیات مشترکی دارند طبقه‌بندی کنند.

کاربردی که زبان در امر طبقه‌بندی اشیاء و امور دارد ما را به کاربرد دیگری از زبان می‌رساند و آن استنتاج و استدلال است که زبان تشکیل دهنده ماهیت اصلی استدلال در انسان است.

زبان و اندیشه:

زبان و تفکر یک پدیده واحد هستند. زبان امتزاج بین تفکر درونی و تکلم بیرونی است.

بدون زبان، تفکر نیز وجود نخواهد داشت. این دو از هم جدا ناشدنی می‌باشند.

زبان در تشکیل مفاهیم، درک آن‌ها، شناساندن آن‌ها، و طبقه بندی مفاهیم تأثیر و نقش دارد. همچنین زبان در تجزیه و تعمیم نقش مهمی را بازی می‌کند.

زبان و آموزش و پرورش:

زبان، بخصوص زبان کلامی، اساسی‌ترین عامل تعیین کننده‌ی اثرگذاری و اثر پذیری در حوزه آموزش و پرورش است.

مدرسه در موارد زیر به یادگیری ساختارها و کشف‌های زبان در محصلین کمک می‌کند:

۱- تلفظ یا آموختن تلفظ درست کلمات.

۲- آموختن چگونگی ترکیب کلمات به منظور بیان افکار و احساسات خاص.

۳- بسط و گسترش خزانه لغات و معانی در دانش آموزان.

۴- کاربرد اختصاصی زبان برای ارتباط کودکان خصوصاً در دبستان... و درست مکالمه کردن.

۵- درست شنیدن، درست خواندن، درست نوشتن در مدرسه. بچه‌ها کلمات را درست بشنوند، درست بخوانند، درست بنویسند تا به مقاصد خود برسند.

تدریس زبان مادری

به طوری که ملاحظه شد، با اهمیت و نقشی که زبان در تار و پود و ساختار حیات فکری، احساسی، عاطفی، اخلاقی، رفتاری، اجتماعی، و ارتباطات جهانی دارد و تأثیرگذار می‌باشد، به ما یادآور می‌شود که چه وظیفه اولیه و مسؤلیت سنگینی در این رابطه برعهده مسئولین امر می‌باشد که نه تنها معلمان زبان و ادبیات فارسی که متولی آموزش آن می‌باشند، بلکه از آنجا که همه‌ی علوم، مفاهیم و مبانی خود را از طریق زبان مطرح و بیان می‌کنند لذا قدم اول در همه‌ی مقاطع روشن کردن مفاهیم و کاربری صحیح آن‌ها برای دانش‌آموزان می‌باشد، حتی ضروری به نظر می‌رسد که در کتاب‌های درسی ابتدا و قبل از ورود به متن، این مفاهیم با تکیه بر زبان و ادبیات مادری برای دانش‌آموزان روشن و رفع ابهام شود.

زبان از نظر زیست‌شناسی

ما از نظر بیولوژی و زیست‌شناسی آن‌چنان سازمان یافته‌ایم که بتوانیم زبان نوع انسان‌ها را بیاموزیم و آن را بکار ببریم.

مغز و دستگاه صوتی آدمی از لحاظ زیستی برای یادگیری زبان همان‌طور آماده شده است که برای یادگیری مهارت‌های حرکتی و ادراکی دیگر آماده شده است.

در مغز آدمی برای زبان، بخشی اختصاصی وجود دارد که پیوند زبان و مغز را می‌رساند به طوری که آسیب‌های وارده به نواحی معین از نیمکره چپ مغز، موجب اختلال در تکلم یا زبان‌پریشی می‌شود.

رشد مغز و دستگاه‌های صوتی مربوط به زبان، قبل از ظهور زبان در کودک آغاز می‌شود و راه را برای فراگیری زبان هموار می‌سازد. نوزاد آدمی از لحاظ زیستی مستعد توجه به اصوات گفتاری انسانی و تشخیص آن است، و کودک از نظر زیستی به کسب ساختار دستوری و گرامری پیچیده زبان انسانی مجهز است، از این‌رو کودک نقش فعال و نیرومند را در یادگیری زبان دارد. کودک آشکارا نیازمند شنیدن زبان مادری است تا زیرساخت‌های دستوری و گرامری آن را درک کند.

او بسیار نیازمند است تا گفتار دیگران را که در او تا حدی با سطح زبانی و شناختی خودش مطابقت یافته است را بشنود تا به رشد روز افزون زبان مادری دست یابد. از این رو امروز موضوع زبان به یکی از حیطه‌های بسیار جالب در روان‌شناسی رشد، تبدیل شده است.

این درست است که وقتی ما می‌اندیشیم، در واقع داریم سخن می‌گوییم، هرچند که کسی نمی‌تواند این سخن ما را بشنود، اما مطالعات تجربی روان‌شناسان نشان داده که در هنگام اندیشیدن، زبان و سقف دهان و قسمت‌های دیگر دستگاه صوتی و حنجره، حرکاتی را نشان می‌دهند.

زبان از نظر روان‌شناسی اجتماعی

در امر رابطه میان زبان و اندیشه، یک چیز مهم است و آن اینست که در اغلب موارد اندیشه مستلزم بکار بردن زبان است. و دیگر این‌که چگونگی زبان در چگونگی اندیشه تأثیر بسیار دارد.

وقتی ساختمان زبان قومی و مردمانی را مطالعه می‌کنیم، در واقع داریم صورت‌ها و روش‌های اندیشه او را نیز مطالعه می‌کنیم. به طوری‌که زبان را عصاره‌ی اندیشه هر قوم و ملت دانستن، خلاف حقیقت نیست. و نکته دیگر این‌که تفاوت‌های میان لغات و کلمات اقوام مختلف، تا حدی فرهنگ آنان را روشن می‌سازد.

روی هم رفته می‌توانیم نتیجه بگیریم که زبان و اندیشه کاملاً به هم مربوطاند و در هم تأثیر متقابل دارند. مخصوصاً از لغات و کلمات می‌توان اطلاعات سودمندی درباره مضمون فرهنگ یک قوم و علاقه مخصوص آن‌ها، بدست آورد.

زبان در زندگی اجتماعی امری است که به انسان اختصاص دارد و وسیله تفکر می‌باشد و علاوه بر آن عامل همبستگی در اجتماع می‌باشد و به کار متحد ساختن گروه‌های اجتماعی و نیز متمایز ساختن گروه‌ها از یکدیگر می‌باشد، به طوری‌که زبان مشترک، نشانه همبستگی اجتماعی هر گروه و قوم و جماعت است. تضاد میان یک گروه با گروه دیگر را که هم در ابتدایی‌ترین جوامع و هم در پیچیده‌ترین آن‌ها یافت می‌شود، شاید بتوان با این دلیل تبیین کرد گروه‌ها نمی‌توانند مقصود همدیگر را بفهمند، که این خود یکی از دلایل آن کسانی است که طرفدار زبان اسپرانتو یا زبان‌های بین المللی دیگر می‌باشند. این اشخاص این زبان بین‌المللی را وسیله جلوگیری از تفرقه و نفاق در جامعه می‌دانند.

به هر حال زبان که وسیله تفکر و تفاهم و وسیله تبیین اعمال و رفتار دیگران است، خود عاملی است که اعضای جامعه معین را باهم متحد و در عین حال از ملل دیگر جدا و متمایز می‌کند.

جهانی بودن یا universality

زبان آدمی، پدیده‌ای است نوعی یا جهانی. زبان آدمی، خاص نوع انسان است. دیگر انواع نیز دارای سیستم‌های ارتباطی هستند که بعضی‌ها کاملاً پیچیده‌اند، اما هیچ یک شباهتی به زبان آدمی ندارند. هیچ یک دارای گرامر و دستور زبان نیستند که از جهت نوع و پیچیدگی شبیه به زبان‌های طبیعی نوع بشر باشند.

به‌رحال رشد زبان از جمله عوامل بسیار اساسی و ضروری رشد و تکامل اجتماعی است. و تفکر نیز تا حدود زیادی تحت تأثیر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. زبان نیز پدیده‌ای اجتماعی است و پیدایش زبان نتیجه زندگی اجتماعی است، و وسیله‌ی مهمی برای انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر است. بحث‌ها، تبادل افکار، تحقیقات مشترک دانشمندان و انتقادهای و بررسی افکار و عقاید مختلف میان اقوام و ملل تنها به‌وسیله زبان امکان دارد. روی همین اصل باید نقش زبان را در جریان تفکر، مهم تلقی کرد و از آن به‌عنوان وسیله عمده‌ای برای پیشرفت و توسعه افکار استفاده نمود.

زبان از نظر روان‌شناسی شناخت

تأثیر زبان در شناخت:

زبان به رشد شناختی یاری می‌رساند. مثلاً آموزش زبان شفاهی یا گفتاری به کودکان، آن‌ها را در امر طبقه‌بندی اشیاء کمک می‌کند که در جای خود بسیار مهم است و اثرگذار. باری شناخت زبان، رشد شناختی را تسهیل می‌کند. و این‌که پیشرفت زبان بستگی به رشد شناختی دارد.

پس رشد زبان با رشد شناخت همراه است. در واقع رشد زبان ابزار اساسی برای شناخت می‌باشد. از این‌رو زبان در زندگی شناختی ما نقش فوق‌العاده مهمی دارد که نمی‌توان در آن تردید داشت. زیرا زبان بر ادراک که جنبه اساسی شناخت می‌باشد تأثیر می‌گذارد تا آنجا که برخی مدعی‌اند که چگونگی ادراک ما از جهان، تحت تأثیر زبانی است که برای توصیف جهان بکار می‌بریم. از طرف دیگر رشد زبان تا حد زیادی بر پایه‌ی ادراک ما از زبان نیز استوار است. پس ادراک و زبان وابسته به یکدیگر می‌باشند. نکته دیگر این‌که با رشد تفکر (ادراک و شناخت) تکلم و زبان، درونی می‌شود.

همچنین لازم به ذکر است که زبان، یا دقیق‌تر بگوییم، زبان کلامی، نقش اساسی در آموزش و پرورش دارد. نخستین ابزار معلمان برای برقراری ارتباط و اثرگذاری روی دانش‌آموزان عمدتاً زبان کلامی است. لذا بحث از رشد ذهنی یا شناختی بدون اشاره به رشد و تکامل زبان ناقص خواهد بود.

هیچ پدیده‌ای به اندازه زبان، کم و کیف رشد ذهنی یا شناختی را روشن نمی‌کند

زبان از نظر روان‌شناسی

احساسات ما، افکار و اعمال و دیگر حالات نفسانی ما، برای بیان و اظهار و نمایش خود، به زبان نیازمندند که غالباً این دو ملازمت و هم‌زمانی وجود دارد.

زبان وسیله تبادل افکار و رساندن احساسات، عواطف و معانی به دیگران به‌کاربرده می‌شود و شکی نیست که میان زبان و اندیشه (و نفسانیات دیگر) مناسبت‌های بسیار نزدیک موجود است و این دو با یکدیگر تأثیرات متقابل دارند. پس جا دارد مختصری از اهمیت و نقش زبان، به‌خصوص زبان مادری و به‌طور کلی هر زبان دیگر گفته شود:

۱- زبان وسیله فهمیدن و فهماندن است:

افکار و عواطف و احساسات هرکس تنها برای خود او معلوم می‌باشد و دیگران نمی‌توانند به آن‌ها دست یابند. لذا زبان بهترین وسیله برای رساندن افکار و فهمیدن عواطف و حالات درونی ما به یکدیگر می‌باشد.

۲- زبان و اندیشه باهم ملازمت و مجاورت دارند:

بعضی دانشمندان فکر را مقدم بر زبان می‌دانند و برخی دیگر این تقدم را مورد تردید قرار داده‌اند. ولی واقعیت این است که زبان و فکر لازم و ملزوم یکدیگرند. کسی که فکر می‌کند، در باطن با خود سخن می‌گوید.

شواهد آزمایشگاهی نشان می‌دهد که شخص اگرچه ظاهراً ساکت است و حرف نمی‌زند، اما دستگاه‌های صوتی او در حرکت می‌باشند و با زبان خاموش حرف می‌زند. خلاصه این‌که اندیشیدن با حرکاتی در بدن همراه است. کسانی که می‌گویند افکار و عواطفی داریم که نمی‌توانیم بیان کنیم، حقیقت این است که فکر و اندیشه آن‌ها مبهم است و گنگ، زیرا اگر فکر روشن بود و شفاف، لباس الفاظ و کلام را می‌پوشید و به زبان در می‌آمد و خود را می‌نمایاند.

۳- زبان بر شفافیت و روشن کردن فکر می‌افزاید:

افکار، احساسات، هیجانات، تمایلات، بسیار مخلوط و درهم و برهم و ناپایدار و فرار هستند و دائماً یکدیگر را تغییر می‌دهند. ولی ذهن با کمک زبان آن‌ها را از هم جدا کرده، اسم گذاری می‌کند. یعنی هرکدام را در قالبی ریخته، ثابت نگاه می‌دارد، و علاوه بر آن به وسیله زبان است که فکر را تجزیه و تحلیل می‌کند و فاعل و مفعول و زمان آن‌ها را از هم تفکیک می‌کند.

زبان کار ذهن را بسیار آسان می‌سازد. زیرا که قائم مقام فکر می‌باشد. از این‌رو ذهن، زبان را به‌کار می‌گیرد و عملیات گوناگون خود را به وسیله زبان انجام می‌دهد. زیرا اگر قرار باشد ذهن مستقیماً با فکر سروکار داشته باشد، دچار زحمت زیادی می‌شود و عملیاتش بسیار کند و کم‌شمار می‌شود.

البته باید توجه داشته باشیم که این فایده زبان، ممکن است زیان و ضرر بزرگی را نیز در برداشته باشد. زیرا که بسیار اتفاق می‌افتد که شخص در استفاده از زبان، کلمات توخالی بکار ببرد و در عین حال بپندارد که سروکارش با کلمات با معنی می‌باشد، در صورتی‌که چنین نیست. لذا باید همواره توجه داشته باشیم که زبان کلامی، حکم اسکناس را دارد که ارزش و اعتبار آن بستگی دارد به طلا و نقره‌ای که پشتوانه آن می‌باشد. زبان در صورتی‌که متکی به اندیشه و فکر بوده باشد، معتبر و با ارزش است، در غیر این‌صورت، توخالی، میان‌تهی، بی ارزش، لفاظی و لقه زبان خواهد بود.

زبان اشاره:

نیز نوع دیگری از زبان هست که گفته می‌شود قبل از این‌که زبان گفتاری یا کلامی وسیله فهمیدن و فهماندن میان انسان‌ها بوده باشد، زبان اشارات یعنی حرکات اندام‌های بدن بخصوص دست‌ها این وظیفه را بر عهده داشته است، هم اکنون هم طوایف و قبایلی هستند که چون از نظر تعداد کلمات و الفاظ فقیر می‌باشند لذا برای رساندن حالات درونی خود به دیگران، متوسل به اشاره کردن به حرکت درآوردن اندام‌های بدن می‌شوند. یکی از دانشمندان فرانسوی به نام لوی برول Leviy Bruhl در کتابش چنین نقل کرده است:

"بعضی از طوایف استرالیا و اهالی بدوی آمریکای شمالی و جنوبی و آفریقایی هنوز بویسه اشارات رفع احتیاج می‌کنند. میان یکی از آن طوایف که زبانشان ترکیبی از کلمات و اشارات است، عادت بر این جاری است که زنان شوهر مرده نباید ده تا دوازده ماه هیچ سخن بگویند و در تمام این مدت ناچار اشاره تنها وسیله تبادل افکار است و زنان چنان به آن خو کرده و در آن ظاهر می‌شوند که پس از انقضاء مدت مزبور و رفع مانع ترجیح می‌دهند همین وسیله را به‌کار ببرند و از سخن‌گوئی خودداری کنند. از این‌رو در بسیاری مجالس زنانه غالباً سکوت کامل حکم‌فرماست. لیکن دست‌ها در حرکت هستند و حاضران به گفت و شنود مشغول می‌باشند."

اما نارسائی این زبان با توسعه ذهنی مردمان سبب شد تا به زودی زبان کلامی و گفتاری جای اشارات را بگیرد. از جمله عیب‌ها و نواقص زبان اشاره‌ای به یکی این است که دست‌ها را به خود مشغول می‌دارد و مانع کارکردن آن‌ها می‌شود. دیگر این‌که از دور و در تاریکی دیده نمی‌شود، و سوم این‌که هیچگاه به صراحت و دقت کلمات و الفاظ، مقصود شخص

۲- سمیتیک: زبان‌های عبرانی، عربی و.....

۳- تورانی: زبان‌های چینی، تبتی و....

او در مورد زبان‌های هند و اروپایی که تحقیق بیشتری شده می‌گوید، همه‌ی لغات این زبان‌ها از پانصد ریشه مشتق هستند.

کار دیگر زبان‌شناسی، تحلیل نقشی است که زبان به ضرورت در هر علمی ایفا می‌کند. زبان‌شناسی از این لحاظ با تمام علوم دیگر فرق می‌کند، چون موضوع زبان‌شناسی، خود زبان است در حالی‌که برای علوم دیگر زبان فقط وسیله است، وسیله بیان و نقل آن می‌باشد. اما زبان‌شناسی با همه‌ی علوم در این صفت مشترک است که آن نیز مانند سایر علوم به وسیله زبان عرضه می‌شود.

امروزه زبان‌شناسی که یکی از شعبه‌های جامعه‌شناسی به حساب می‌آید، علمی مستقل شده و جزو علوم اجتماعی و انسانی به شما می‌آید.

منابع

روان شناختی	رابرت.ال.سولسو	ترجمه دکتر فرهاد ماهر
رشد شناختی	جان.اچ.کلاول	ترجمه دکتر فرهاد ماهر
رشد شخصیت کودک	پاول هنری ماسن و دیگران	مهشید یاسایی
روان شناسی اجتماعی	اتو کلاین برک	دکتر محمدعلی کاردان
روان شناسی	دکتر علی اکبر سیاسی	
روان شناسی تربیت و تدریس	علی اکبر شعاری نژاد	
روان شناسی تربیتی	دکتر علی شریعتمداری	

به نام خدا

نکاتی چند درباره آموزش زبان و ادبیات فارسی

استراتژی strategy

درباره استراتژی یا سیاست‌های کلی و تدبیرهای اصولی و اساسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، توجه به نکات زیر ضروری است:

۱- ابتدا تعریف روشن و دقیق، همه جانبه و جامع از "زبان"، و اهمیت و ضرورت آن در زندگی روزمره، و در امر ارتباطی که افراد با یکدیگر دارند، و نیز نقشی که "زبان" در پایه‌گذاری و زیرساخت‌های درک مفاهیم معارف و مبانی علوم دارد، باید برای بچه‌ها روشن شود.

۲- تعریف زبان از ابعاد:

زیست‌شناسی و فیزیولوژی،

روان‌شناسی،

جامعه‌شناسی،

و زبان‌شناسی.

که به منظور ایجاد آگاهی و انگیزه و علاقه‌مندی در دانش‌آموزان و نیز هول دادن آن‌ها به سمت شناخت و یادگیری آن، نیز ضروری می‌باشد.

۳- تکیه بر آموزش گرامر زبان فارسی از ضروریات اولیه است. زیرا محال است در یادگیری هر زبانی که می‌خواهد باشد، کسی بدون دانستن قواعد و قوانین آن زبان، بتواند به عمق و ریشه و ساختار ادبیات آن زبان، پی ببرد. و اگر هم چیزی از آن زبان یاد گرفته باشد، سطحی و ناپایدار خواهد بود که خیلی زود به ضعف و فراموشی کشیده می‌شود.

۴- آشناسازی دانش‌آموزان با دو رکن عمده‌ی ادبیات، یکی نظم و دیگری ثر، و نیز انواعی که هرکدام از آن‌ها پیدا می‌کنند، از آن جمله: نوع ادبی، عرفانی، حماسی، فلسفی، داستانی، عاشقانه و... که از بدیهیات و اولیات است.

۵- آشناسازی و آگاهی دادن به دانش‌آموزان از پیوند و ارتباطی که ادبیات ملی ما، با ادبیات جهانی دارد و باید تعامل و تعاون با یکدیگر داشته باشند تا بتوانند به رشد و باروری دست یابند، که نکته مهمی است.

۶- آشناسازی دانش آموزان با نام شعرا و نویسندگان در عرصه‌ی ملی از طریق ارائه‌ی گزیده‌هایی از اشعار و ثر آن‌ها.

۷- آشناسازی دانش آموزان با نام شعرا و نویسندگان در عرصه‌ی جهانی (شرق+غرب+میانه) از طریق ارائه‌ی گزیده‌هایی از اشعار و ثر آن‌ها.

۸- آشناسازی و شناخت دادن به بچه‌ها نسبت به آثار، کتاب‌ها و تالیفات شعرا و نویسندگان در عرصه‌ی ملی و در عرصه‌ی جهانی همراه با مراجعه دادن آن‌ها به کتابخانه‌ها و انجام کارهای تحقیقی و ارائه‌ی مقالات و دادن کنفرانس‌ها برای کلاس، یا در مقطع، یا در مؤسسه، و اجرای نمایش‌ها و تأثیر، و نوشتن پیبیس نمایشنامه و...

۹- علاوه بر آشنایی و شناختی که بچه‌ها نسبت به شعراء و نویسندگان ملی و جهانی در سطح کلاسیک و متعارف و رایج پیدا می‌کنند، حتماً باید در پیوند با این شناخت، آشنایی و شناخت نسبت به شعرای نوپرداز یا شعرای نیمائی، و همچنین نویسندگان و رمان‌نویس‌های مدرن و با سبک‌های نو و جدید، نیز پیدا کنند، و منبع‌شناسی درباره هر دو مورد را بدست آورند.

۱۰- آشناسازی دانش آموزان با آرایه‌های ادبی.

۱۱- آشناسازی دانش آموزان با اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها، پندها و اندرزها، حکمت‌ها، و پیام‌هایی که هر کدام از آن‌ها دارند، همراه با مآخذ، منابع، مرجع‌ها، و فرهنگ‌های مربوطه.

۱۲- شناخت کلمات، لغات، واژه‌ها و تقسیم‌بندی آن‌ها مانند لغات متشابه، مترادف، متضاد، از نظر شکل و فرم، معنا و مفهوم، و نیز املاء آن‌ها و شناخت روی فرهنگ‌های لغات و واژگان و انواع لغت‌نامه‌ها و منبع‌شناسی آن‌ها.

۱۳- کار بر روی شناخت معنی لغات و کلمات، به عبارت دیگر کار روی معنی‌شناسی لغات یا فقه اللغه و بسط دامنه‌ی لغات و مهارت پیدا کردن هرچه بیشتر درباره لغات و واژگان، و جای‌جای کاربرد هر یک از آن‌ها، که در دانش‌آموزان و زندگی فردی و اجتماعی‌شان بسیار تأثیرگذار می‌باشد.

۱۴- و...

تاکتیک‌ها tactics

9

تکنیک‌ها technickues

راهکارها – شیوه‌ها، روش‌ها و اسلوب‌ها

در مبحث تاکتیک‌ها و تکنیک‌های آموزش زبان و ادبیات، موضوع "تمرین‌ها" به میان می‌آید، و بدیهی است که باید روی جزء جزء موارد و مباحث دستوری زبان و ادبیات، سؤال‌های دقیق و ظریف طرح شود، تا دانش آموزان مهارت‌های لازم را در ارائه‌ی پاسخ‌های صحیح نسبت به آن‌ها پیدا کنند، و در این مورد بهترین راه این است که از تمرین‌های طراحی شده در زبان انگلیسی که کار علمی- تجربی و تخصصی زیادی روی آن‌ها انجام گرفته، و پیشرفته‌ترین می- باشند، بدون تکبر و با فروتنی استفاده کنیم.

و این‌که، "الدرسُ حَرْفٌ و تکرارُ أَلْفٌ"، یعنی اگر درس یک حرف باشد، تمرین آن باید هزار بار باشد.

و نکته دیگر این‌که در آموزش زبان و ادبیات، استفاده از تأثر و نمایش، مشروط بر این‌که کار تهیه، اجرا و کارگردانی آن توسط خود دانش‌آموزان انجام بگیرد، کارایی بالایی را به همراه دارد.

لازم است این پیش نویس توسط دیگران، نقد، تصحیح، و تکمیل شود تا بتواند زمینه و بستر اولیه را برای رشد و نمو همه سوبه‌ی دانش‌آموزان، تدارک بکند.

به نام خدا
درباره آموزش زبان و ادبیات فارسی (چکیده)
استراتژی

۱ - تعریف زبان..... :

اهمیت و ضرورت در زندگی روزمره :

الف - در امر ارتباطات افراد با یکدیگر

ب - نقش زبان در پایه‌گذاری و زیرساخت درک مفاهیم و مبانی علوم و در امر معرفت و یادگیری

۲ - تعریف زبان از جنبه‌های :

زیست‌شناسی و فیزیولوژی

روانشناسی

جامعه‌شناسی

زبان‌شناسی

۳ - آموزش گرامر زبان فارسی و آگاهی از قواعد و قوانین آن و اهمیت آن در یادگیری زبان .

۴ - آشناسازی دانش‌آموزان با نظم و نثر ، دو رکن عمده در ادبیات .

۵ - آشناسازی دانش‌آموزان با ارتباطی که ادبیات ملی با ادبیات جهانی دارد، تعامل و تعاون آن‌ها با یکدیگر .

۶ - آشناسازی دانش‌آموزان با نام شعرا و نویسندگان در عرصه ملی از طریق گزیده‌هایی از آثار آن‌ها .

۷ - آشناسازی دانش‌آموزان با نام شعرا و نویسندگان در عرصه جهانی از طریق گزیده‌هایی از آثار آن‌ها .

۸ - آشنا ساختن دانش‌آموزان نسبت به آثار تالیفات شعرا و نویسندگان در عرصه ملی و جهانی همراه با گزیده‌هایی از کار آن‌ها .

۹ - علاوه بر شعرا و نویسندگان ملی و جهانی در سطح کلاسیک ، از شعرای نوپرداز و نویسندگان رمان‌های مدرن و منبع‌شناسی درباره هر دو مورد.

۱۰ - آشنا شدن دانش‌آموزان با آرایه‌های ادبی .

۱۱ - آشنا شدن دانش‌آموزان با ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات، پندها، حکمت‌ها، هزل‌ها

۱۲ - واژه‌شناسی و گسترش و بسط دامنه آن‌ها همراه با منبع‌شناسی .

۱۳ - معنی‌شناسی لغات و کلمات و کاربرد آن‌ها در زندگی روزمره .

۱۴ -

با طرح تمرین‌های گوناگون درباره هر یک از الفبای ۳۴ گانه زیر، می‌توان به تقویت زبان مادری دانش‌آموزان، و ایجاد مهارت در آن‌ها دست یافت:

1) <i>reading</i>	خواندن، قرائت	18) <i>conversation / conversin g</i>	مکالمه، گفت و شنود، هم‌گویی، صحبت
2) <i>writing</i>	نوشتن	19) <i>meaning</i>	معناکردن
3) <i>spelling</i>	هجی‌کردن، درست املای کردن	20) <i>presentati on</i>	نمایش، برنامه، سخنرانی، نطق
4) <i>Listening</i>	گوش دادن	21) <i>Drama</i>	تئاتر، نمایش، نمایش پردازشی
5) <i>talking</i>	صحبت‌کردن، گفت وگوکردن، سخن گفتن، حرف‌زدن	22) <i>teaching (as a teacher)</i>	تدریس کردن، درس دادن
6) <i>unders tan ding</i>	فهمیدن، درک‌کردن، دریافتن، شیرفهم‌شدن	23) <i>grammar exerci sin g</i>	تمرین گرامر
7) <i>thinking</i>	فکر کردن	24) <i>doing</i>	انجام دادن
8) <i>Telling</i>	گفتن (وقایع، داستان، امور)	25) <i>acting</i>	عمل کردن
9) <i>Asking</i>	پرسیدن	26) <i>sin ging (songs)</i>	سرود خواندن، آوازخواندن، خواندن
10) <i>Discribing</i>	وصف‌کردن، توصیف‌کردن، شرح، تعریف	27) <i>answering</i>	پاسخ دادن، جواب دادن
11) <i>explaining</i>	توضیح‌دادن، بیان‌کردن، دلیل آوردن، توجیه‌کردن تفسیر کردن، فهماندن	28) <i>reviewing</i>	مرور کردن، بازنگری کردن، دوباره بررسی کردن
12) <i>Drawing</i>	رسم کردن، ترسیم‌کردن، کشیدن	29) <i>making sentences</i>	جمله سازی
13) <i>paint ing</i>	نقاشی کردن، صورتگری‌کردن، نگارگری‌کردن	30) <i>listening and saying</i>	گوش دادن، پس‌دادن، گفتن
14) <i>essey making / essaying</i>	مقاله‌نویسی، انشا، رساله‌نویسی	31) <i>exp ansion of learning more words</i>	بسط و گسترش و یادگیری لغات بیشتر
15) <i>dicteting / dictation</i>	دیکته‌کردن، املاکردن، دیکته	32) <i>working on :</i>	کار روی :
		1) <i>synonym words</i>	لغات مترادف، هم معنا
		2) <i>similar words</i>	واژه‌های متشابه، همانند و یک‌جور
		۳) <i>antonym words or opposite</i>	لغات متضاد، مخالف و ضد و مقابل
16) <i>comprehension</i>	ادراک، فهم	۳۳) <i>for teaching one letter, we need to repeat it for</i>	الدرسُ حرفٌ و التکرارُ ألفٌ .
			<i>thousand times .</i>
17) <i>pronouncing / prononciation</i>	تلفظ‌کردن، آواکردن، تلفظ، آواسازی	۳۴) <i>and etc.</i>	

فشرده دستور زبان فارسی (مادری)

حروف الفبا

۱ - اسم کلمه‌ای که برای نامیدن اشخاص، حیوانات، اشیا به‌کار برده می‌شود مثل:

حسن، اسب، پنجره

۲ - فعل کلمه‌ای است که دلالت می‌کند بر انجام دادن کاری، یا بودن و شدن چیزی. در فعل مفهوم زمان هست، حال این زمان یا گذشته است یا حال با آینده. مثل: می‌گوییم، گفت، خواهم آمد، بودن، شدن.

۳ - حرف: کلمه‌ای است که فاقد معنی است. مثل: از - به - که و ...

کلمه
Word

۱ - اسم

۲ - ضمیر

۳ - صفت

۱ - گروه اسم

۱ - فعل

۲ - قید

۲ - گروه فعل

۱ - حرف اضافه

۲ - حرف ربط

۳ - حرف ندا

۳ - گروه حرف

تقسیم‌بندی بازتر از
کلمه

مؤسسه فرهنگی راه شایستگان

۱۳۹۵ - ۹۶

به نام خدا

زبان در ادبیات فارسی

از فرهنگ دهخدا

(با هدف تشویق دانش‌آموزان به تحقیق در مباحث و موضوعات گوناگون ادبیات و زبان فارسی.)

– زبان در دهان ای خردمند چیست؟

کلید در گنج صاحب هنر،

چو در بسته باشد نداندکسی

که جوهر فروش است یا پيله ور (سعدی – گلستان)

– چراغ زندگی را می کند مستغنی از روغن

زبان خویش چون خورشید بر دیوار مالیدن (صائب)

زبان بر دیوار مالیدن کنایه از فناعت و توکل است.

– در محاورات شایع است که زبان فلانی در دهان فلانی است.

– آتشین گفتار، زبان تند و تیز: با تیغ گوشتین .

– زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد .

زبان ، پاسبان سر است.

– چه خوش گفت فرزانه ی پیش بین

زبان گوشتین است و تیغ آهنین (نظامی)

– نماند بر این رزمگه ، زنده کس

تو را از هنرها، زبان است و بس (فردوسی)

– ترجمان دل است ، نطق زبان (سنائی)

– گرچه تفسیر زبان روشنگر است

لیک عشق بی زبان روشن تر است (مولوی)

– با خصم اعتقاد ، زبانش چو تیغ بود

در راه اجتهاد کمانش چو تیر بود (سنائی)

– زبان دار، زبان آور، حراف، بی باک از سخن، به درازی سخن گفتن .

– زبان درازی قلم مستلزم روانی اوست .

– زبان در دهان گذاشتن : طفل را سخن گفتن آموختن .

– چو دیندار کین دارد از پادشاه

نگر تا نخواهی ورا پارسا

- هر آن کس که بر دادگر شهریار
- گشاید زبان مرد دینش مدان (فردوسی)
- خلقی زبان به دعوی عشقش گشاده اند
- ای من غلام آن که دلش با زبان یکی است (تاریخ بیهقی)
- آتش زبان و آن که سخنی سخت گیرا و موثر دارد.
- سعدی آتش زبانم در غمت سوزان چو شمع
- با همه آتش زبانی در تو گیراییم نیست (سعدی)
- سخن دان چو رای ددان آورد
- سخن از زبان ددان آورد (عنصری)
- به دستور گفت آن زمان شهریار (خسرو پرویز)
- که بد گوهری بایدم بی تبار
- که یک چند باشد به ای مرزبان
- یکی مرد بی دانش بد زبان (فردوسی)
- (بدزبانی : ژاژخایی ، هرزه سرایی)
- هر لحظه راز دل جهدم بر سر زبان (سعدی)
- شرط عقل است که از دوست شکایت نکنند. (سعدی)
- سخن ها دارم از درد تو بر دل
- ولیکن در حضورت بی زبانم (سعدی)
- چرب زبان و چرب گو : دل مردم را با سخنان خویش به جانب خود راغب گرداند. آدم شیرین گفتار
- کسی که با زبان شیرین مردم را فریب دهد بلیغ و خوش صحبت که با گفتن سخنان خوش و مطبوع طبع ، دل مردم را به خوش سخنی به خویش راغب سازد.
- سعیدیا چرب زبانی کن و شیرین سخنی (سعدی)
- دشمن چو نکو حال شدی گرد تو گردد
- زنهار مشو غره بدان چرب زبانی ش (ناصر خسرو)
- خدایگانا دانی که بنده ی تو چه کرد
- به شهر غزنین با شاعران چیره زبان (مسعود سعد سلمان)
- (چیره زبانی: زبان آوری ، چیره دستی در سخن، خوش زبان، شیرین زبان ، چرب زبان)
- منم اندر عجم و اندر عرب کس
- نبیند چون من از چیره زبانی (مسعود سعد سلمان)

- در زبان آمدن : قابل وصف بودن، در وصف گنجیدن، گفتنی ، وصف شدنی .

- دو زبان : منافق ، دورو، دورنگی

- خوش طبع و شیرین زبان (سعدی)

- به شیرین زبانی و لطف و خوشی

توانی که پیلی به مویی کشی (سعدی - گلستان)

- به شیرین زبانی توان بُرد گوی

که پیوسته تلخی برد تندخوی (سعدی - بوستان)

- به شیرین زبانی دل اش کرد گرم (نظامی)

- علم ، دل تیره را فروغ دهد

کند زبان را چو ذوالفقار کند (ناصرخسرو)

- زبان را گوشمال خامشی ده

که هست از هرچه گوئی خامشی به

- ای بسا هندو و ترک هم زبان

ای بسا دو ترک چون بیگانگان (مولوی)

- یک زبانی : هم دلی - هم سخن - متفق القول - هم زبانی .

- پس زبان محرمان خود دیگر است

هم دلی از هم زبانی بهتر است . (مولوی)

(همدلی : همفکری، دوستی، هم سختی، هم سنجی، یک زبان بودن ، درک کردن دو کس ، احساسات و تمایلات یکدیگر را)

همه زبان : پرگو ، بسیار سخن گو . آن که سخن هایش از دل نیست.

- یک زبان : یک آواز ، یک صدا، متفق، یک زبانی، یک رو بودن \neq دو زبانی ، منافق .

- تو آمرزیده ای واللّه اعلم

که اقلیمی به خیرت یک زبان اند (سعدی)

- از این آشنایان بیگانه خوی

دورویی نگر یک زبانی مجو (نظامی)

- دل که پاک است زبان بی باک است

آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است

- زبان در دهان پاسبان سر است (سعدی)

- زبان ، سر را عدوی خانه زاد است (وحشی بافقی)

- زبان خلق ، تازیانه ی خداست.

- آنچه مردم خواهند حاکی از اراده حق تعالی است . (امثال الحکم دهم خدا)
- زبان خوش مار را سوراخ بیرون می آورد.
- که تندی و تیزی نیاید به کار
- به نرمی برآید ز سوراخ ، مار (فردوسی)
- زبان لطف سر مار را از سوراخ بیرون آورد (مرزبان نامه)
- از درشتی ناید اینجا هیچ کار
- هم به نرمی سرکند از غار مار (مولوی)
- زبان در اجتماعات طبقاتی جنبه طبقاتی دارد و برای تمام ملت ها مشترک است.
- زبان آور: نطق و خوب حرف بزن . فصیح و بلیغ .
- و اگر جاهلی به زبان آوری ، بر حکیمی غالب آید عجیب نیست (سعدی بوستان)
- زبان بریده به کنجی نشسته صم بکم
- به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم (: نابجا سخن گفتن ، خارج از موقع سخن گفتن.) (سعدی)
- زبان برگشاد اردشیر جوان
- که ای نامداران روشن روان (: روشن ضمیر) (فردوسی)
- ای نفس ات نطق زبان بستگان
- مرهم سودای جگر خستگان (سنائی)
- کای جگر آلود زبان بستگان
- آب جگر خورده ی دل خستگان . (سنائی)
- تو دانی ضمیر زبان بستگان
- تو مرهم نهی بر دل خستگان (نظامی)
- زبان دانی تو را مغرور خود کرد ست لیکن تو
- نجات اندر خموشی دان ، زیان اندر زبان دانی (سنائی)
- شوخ چشمی بین که می خواهد کلیم بی زبان
- پیش شمع طور اظهار زبان دانی کند (صائب)
- زبان دزار : جسور و بی ادب در تکلم. آن که سخن بی محابا گوید بسیار
- کارم همه بخت بد به پیچاند
- در کام همی زبان چه پیچانم
- این چرخ به کام من نمی گردد
- بر خیره سخن همی چه گردانم؟ (مسعود سعد)

بعضی منابع و اشخاص درباره زبان و ادبیات

(۱) بعضی منابع درباره ادبیات

تاریخ ادبیات ۸ جلد ذبیح‌الله صفا
مجموعه آثار آل احمد + شمس آل احمد
کتاب‌های دکتر عبدالحسین زرین کوب
از آثار محمد امین
کتاب‌های دکتر سیروس شمیسا
کتاب‌های دکتر عبدالحسین یوسفی
از داریوش آشوری
طلا در مس رضا براهانی ۳ جلد
انسان در شعر معاصر محمد مختاری

(۲) رمان‌های ایرانی

نادر ابراهیمی
دولت آبادی
و.....

(۳) رمان‌های خارجی

دکامرون جیووانی بوگایو ترجمه محمد قاضی
ایلیاد و اُدیسه
آثار شکسپیر
و.....

(۴) تثر در عرفانی

گلشن راز لاهیجی
کتاب‌های خواجه عبدالله انصاری
کتاب‌های ابوسعید ابو خیر
کتاب‌های کشکول شیخ بهائی
کتاب‌های ابن عربی
کتاب‌های عین القضاة
کتاب‌های مرصاد العباد نجم الدین رازی

۵) شعر

نام بعضی شعرای قدیم و جدید				
نیما یوشیج	یدالله رویایی	سیمین بهبانی	سهراب سپهری	فروغ فرخزاد
احمد شاملو	نصرت رحمانی	نادر نادرپور	فریدون توللی	مهدی اخوان ثالث
محمدعلی سپانلو	میرزاده عشقی	سنائی	عطار	نظامی
فردوسی	مولوی-شمس	سعدی	حافظ	عراقی
ملک الشعرا بهار	عبید زاکانی	اقبال لاهوری	دهخدا	شیخ بهایی
			و

مؤسسه فرهنگی دخترانه راه شایستگان

۹۶ - ۱۳۹۵

کتاب تمرین‌های زبان فارسی

یا

کار عملی و کاربردی work book

الدرسُ حرفٌ و التکرارُ ألف.

اگر درس یک حرف باشد، تمرین آن باید هزاربار باشد. تا از این طریق در ذهن دانش‌آموز جایگزین شده، به فهم

آن دست یابد.

از این‌روی لازم است روی جزء جزء و مورد به مورد مباحث دستوری و قواعد زبان و ادبیات فارسی، سؤال‌های دقیق، حساب شده و هوشمندانه طرح شود، تا دانش‌آموزان در تلاشی که برای پاسخ دادن آن‌ها از خود نشان می‌دهند، کارگشته شده، مهارت‌های لازم را به‌دست آورند و به عمق و ریشه و ساخت و بافت زبان و ادبیات فارسی پی ببرند. از این‌روی تمرین‌هایی که طرح می‌کنیم بایستی تمام موارد و مباحث زیر را دربرداشته، آن‌ها را پوشش دهند، به شرح زیر:

فصل اسم

تمرین‌های جوراجور، به اشکال و صورت‌بندی‌های متنوع درباره هر یک از موارد زیر:

درباره اسم عام و خاص

درباره اسم ذات و معنی

درباره اسم معرفه و نکره

درباره اسم مفرد و جمع

درباره اسم ساده و مرکب

درباره اسم مترادف

درباره اسم متشابه

درباره اسم متضاد

صفت

تمرین‌های جوراجور به اشکال و صورت‌بندی‌های متنوع درباره هر یک از موارد زیر:

درباره صفت فاعلی

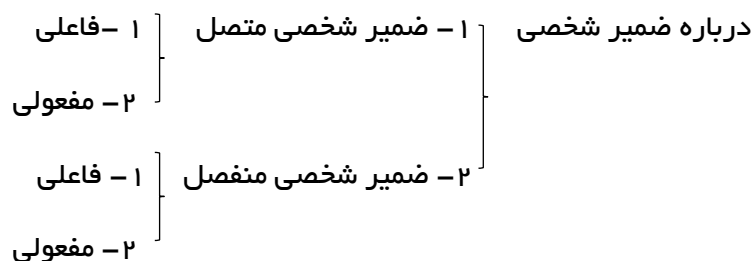
درباره صفت مفعولی

درباره صفت تفصیلی

درباره صفت نسبی

ضمیر

تمرین‌های جوراجور به اشکال و صورت‌بندی‌های متنوع درباره هر یک از موارد زیر:

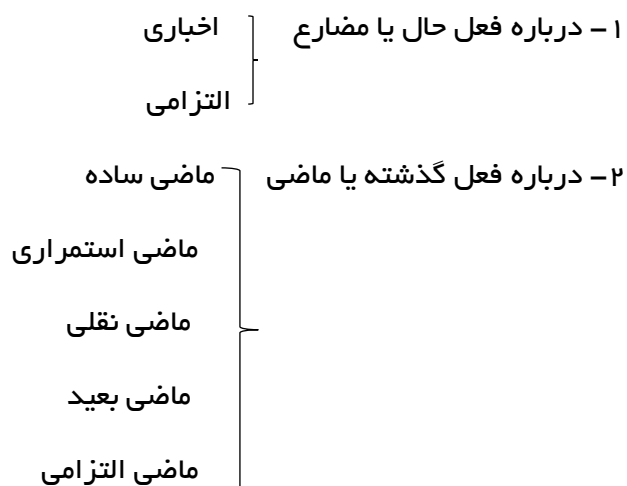


درباره ضمیر اشاره

درباره ضمیر مشترک

فصل فعل

تمرین‌های جوراجور به اشکال و صورت‌بندی‌های متنوع درباره هر یک از موارد زیر:



۳- درباره فعل آینده

درباره وجوه فعل

وجه اخباری

وجه شرطی

وجه امری

وجه التزامی

وجه وصفی

وجه مصدری

درباره افعال کمکی

درباره افعال لازم

درباره افعال متعدی

فعل معلوم

فعل مجهول

درباره فعل مثبت

درباره فعل منفی

درباره قیدها

قید زمان

قید مکان

قید مقدار

قید تأکید

قید نفی

قید ترتیب

قید وصف و کیفیت

قید شک و تردید

قید استفهام

قید استثناء

فصل حرف

تمرین‌های جوراجور به اشکال و صورت‌بندی‌های متنوع درباره هر یک از موارد زیر:

حرف اضافه

حرف ربط

اصوات

نمونه‌هایی از تمرین‌ها و نوع صورت‌بندی آن‌ها

به منظور یادآوری، چند نمونه از طرح تمرین‌ها را به نظر می‌رساند:

جملات زیر را سوالی و منفی کنید:

او می‌تواند فارسی بخواند.

او یک برادر دارد.

شما می‌توانید این‌جا منتظر باشید.

ما از این‌جا می‌توانیم منظره را ببینیم.

من آماده‌ام.

شما به او نامه بنویسید.

او می‌تواند فردا بیاید.

او چای دوست دارد.

در جملات زیر کلمه صحیح را انتخاب کنید:

(ما، ما را) همه رفتیم با (خود، آن‌ها)

او درباره دوستم و (من، مرا) می‌دانست.

او گفت به مریم و (من، مرا) که بروم با (او، او را) و مادرش.

چپست اسم (او را، او) که اول آمد.

جملات زیر را جمع ببندید:

یک سگ یک حیوان است.

یک سیب زمینی یک سبزی است.

یک مندلی از چوب ساخته می‌شود.

یک ماهی می‌تواند شنا کند.

یک گاو شیر می‌دهد.

جملات زیر را مفرد سازید:

اسب‌ها، حیوان‌ها هستند.

رزها، گل‌های زیبا هستند.

اسم‌ها، کلمات هستند.

خانه‌ها، پشت بام دارند.

مدرسه‌ها، ساختمان‌های بزرگ دارند.

مفرد بسازید:

پسرها، اغلب کلاه سرشان نمی‌گذارند.

در پارک‌ها گل‌های زیبا هست.

پست‌چی نامه‌ها را آورد.

صفحه‌های کتاب‌ها پاره شده.

با کلمات سؤال‌ی زیر جمله بسازید:

که، کجا، کی، کی، چه‌کسی، چقدر، چندتا، باکی، مال چه کسی، چه زمانی، چه‌طوری، چگونه، چرا، برای چی، چه، چند، چون، کدام، مگر، هیچ؟

سؤال‌ی کنید:

او می‌تواند امروز شطرنج بازی کند

من نمی‌توانم هفته بعد او را ببینم

آن‌ها می‌توانند آخر هفته بیایند

ماه آینده او را می‌بینم

آن‌ها باید پول را برگردانند

عجله مکن، خیلی وقت داریم

اسب‌ها خوب نمی‌دوند

بلند صحبت کنید

چراغ را روشن کنید

مشغول مطالعه است

من افراد زیادی دعوت نکردم

شما زیاد وقت ندارید

شما آن را به آن قیمت نمی‌خرید

شما مرا فراموش کرده‌اید، مگر نه

می‌توانید جای دیگری را برای ملاقات بگویید

شما فوراً باید تصمیم بگیرید

سعی کنید لباس خیس او را عوض کنید

مواظب بچه‌ها باشید

با کلمات زیر جمله بسازید:

تجارت- هوا- پلیس- گاراژ- پارکینگ.....

نامه زیر را که به یک روزنامه شهر نوشته شده است تکمیل کنید:

سردبیر روزنامه شهر،

با احترام، زندگی در این شهر به اصلاحاتی نیازمند است. ماشین‌های زیادی وجود دارند که در شهر ایجادمی‌کنند، مخصوصاً در ساعات اوج.....علاوه بر مسأله.....ایجاد.....می‌کنند که تنفس را مخصوصاً برایمشکل می‌سازند و.....

متضاد کلمات زیر را بنویسید:

تاریک- گران- کوچک- صدادار- پسر- آرام- خطرناک- ناراحت- جدید.....

با هریک از کلمات زیر جمله بسازید:

آشپزخانه- حمام- اتاق‌های ما- این خیابان- خانواده.....

با کلمات زیر جمله بسازید و سپس منفی کنید:

شغل من- خوشحال‌تر- وقت آزاد بیشتر- سالم‌تر- مثال جدید- تعطیلات آخر هفته.....

جملات زیر را با زمان مناسب کامل کنید:

(رفتن) هفته گذشته من به کنار دریا

(رفتن) آیا تا به حال به کنار دریا؟

(تمییز کردن) اتاقم را فردا.....

(خواندن) روزنامه صبح را.....؟

(خوردن) آیا تا به حال چای سبز.....؟

(مسافرت کردن) آیا تا به حال به خارج.....؟

نام پنج چیز را که قبل از رفتن به مسافرت به آنها احتیاج دارید بنویسید:

۱ -

۲ -

۳ -

۴ -

۵ -

با کلمات زیر جمله بسازید:

تمییز کردن- روشن کردن- خیلی بلند- دوستانم- کمی شیر- اتاق مطالعه- بیاد آوریم- سازمان دهیم- چه اتفاقی افتاد- روز مادر.....

زمان حال، گذشته و آینده افعال زیر را بسازید:

خریدن- رانندگی کردن- رفتن- بدست آوردن- نوشتن- ساختن- فروختن- بکاربردن....

متضاد کلمات زیر را بنویسید:

غیر دوستانه- آوردن- تنبل- جالب- اختراع کردن.

کلمات مناسب را از داخل پراتنز انتخاب کرده و در جای خالی جمله قرار دهید:

او هر روز با اتوبوس به مدرسه (می‌رود، رفت، رفته است).

علی هر هفته به پارک (خواهد رفت، رفت، می‌رود).

سؤالی و منفی هر یک از جملات زیر را بنویسید:

شما باید بروید

او والیبال بازی می‌کند

او گرسنه است

او می‌تواند به شما کمک کند

من برادر شما را دیدم

به زمان گذشته ساده بپسید:

من هر روز سرکار می‌روم

من او را دوشنبه ملاقات می‌کنم

شما ناهار زیاد خوردید

ما همه سیب دوست داریم

من می‌گویم "نه"

جملات زیر را سؤالی کنید:

من ممکن است او را ببینم

آنها باید بیشتر درس بخوانند

آنها ممکن است امشب بیایند

–همچنین طرح تمرین‌ها به منظور کشف اشتباهات املایی و ... داده شده.

نکته

در طرح تمرین‌ها لازم است توجه داشته باشیم که تمرین‌ها، موضوع‌هایشان درباره‌ی همان مکالمات رایج و جاری در زندگی روزمره بوده باشد، اما با هدف ایجاد و تقویت و تحقیق انواع مهارت‌های زیر، در دانش‌آموزان:

: خواندن، قرائت	reading (۱)
: نوشتن	Writing (۲)
: هجی کردن، درست املاء کردن	Speling (۳)
: گوش دادن	Listening (۴)
: صحبت کردن، گفت‌وگو کردن، سخن گفتن، حرف زدن	Talking (۵)
: فهمیدن، درک کردن، دریافتن، شیرفهم شدن	Understanding (۶)
: فکر کردن	Thinking (۷)
: گفتن (وقایع، داستان، امور)	Telling (۸)
: پرسیدن	Asking (۹)
: وصف کردن، توصیف کردن، شرح، تعریف	Discribing (۱۰)
: توضیح دادن، بیان کردن، دلیل آوردن، توجیه کردن، تفسیر کردن، فهماندن	Explaining (۱۱)
: رسم کردن، ترسیم کردن، کشیدن	Drawing (۱۲)
: نقاشی کردن، صورت‌گری کردن، نگارگری کردن	Painting (۱۳)
: مقاله نویسی، انشاء، رساله نویسی	Essay making/essaying (۱۴)
: دیکته کردن، املاء کردن / دیکته	dictating/dictation (۱۵)
: ادراک، فهم	comprehension (۱۶)
: تلفظ کردن، آوا کردن / تلفظ، آواسازی	pronouncing/pronounciation (۱۷)
: مکالمه، گفت و شنود، همگویی، صحبت	conversation/conversing (۱۸)
	(۱۹) و.....

تذکر مهم: توجه داشته باشیم طرح و برنامه‌ریزی تمرین‌ها باید در جهت اندازه‌گیری کسب مهارت‌ها در هریک از موارد نوزده‌گانه فوق بوده باشد.

کاربرد زبان در زندگی

با "زبان"

می‌شود	مسخره کرد،
می‌شود	روحیه داد،
می‌شود	ایراد گرفت،
می‌شود	تعریف کرد،
می‌شود	دل شکست،
می‌شود	دلداری داد،
می‌شود	آبرو برد،
می‌شود	آبرو خرید،
می‌شود	جدایی انداخت،
می‌شود	آشتی داد،
می‌شود	آتش زد و سوزاند،
می‌شود	آتش فتنه را خاموش کرد،

پس حواس مان به "زبان مان" باشد.

